



جناب محترم طلا پامیر

حکومت تحریک طالبان و مسئله شناخت بین المللی

شنا سایی حکومت ها در کشورهای عضو سازمان ملل متحد یک مسأله سیاسی است. این مسأله شنا سایی یا تایید بین المللی حکومت ها زمانی مطرح می گردد (به وجود میاید) که یک گروه سیاسی واجتماعی ویا شخصیت های سیاسی جامعه از طریق غیر قانونی مانند انقلاب، قیام، کودتا، مقاومت مسلحانه ویا تجاوز و مداخله بیرونی به قدرت می رسند .

در حقوق بین المللی موازین معین برای شناسایی حکومت ها دیده نمی شوند . از این رو، نه حق و نه هم الزام بین المللی برای شناسایی حکومت ها وجود دارند.

دولت ها چه به صورت انفرادی و چه به صورت جمعی بر اساس منافع شان در باره چگونگی روابط شان با حکومت های که به صورت غیر قانونی ویا غیر عادی تشکیل می گردند، تصمیم می گیرند. در تیوری اما، برای شناخت حکومت ها بر سه اصل اساسی تکیه می شود:

نخست- اینکه حکومت جدید باید نتیجه انکشافات داخلی باشد نه پیامد تجاوز و دخالت بیرونی.

دوم- داشتن کنترل موثر حکومت نو بر تمام قلمرو ویا بخش بزرگ کشور.

سوم- تعهد و توانایی حکومت جدید برای اجرای مکلفیت های بین المللی دولت (کشور) بر بنیاد اصول اساسی (Jus Cogens) مندرج منشور سازمان ملل متحد وموازین شناخته شده حقوق بشر.

چنانچه گفته شد، این سه اصل در تیوری است و در عمل کمتر مورد توجه قرار می گیرند.

مواردی زیادی در پراتیک بین المللی وجود دارند که برخی دولت ها نه تنها از شناسایی حکومت ها بل از شناسایی و داشتن روابط سیاسی با کشور های مستقل و یا حکومت های کشور های مستقل که از طریق قانونی و از راه انتخابات تشکیل یافته اند نیز خود داری می ورزند (به رسمیت نمی شناسند). کم و بیش ۳۰ کشور جهان دولت (کشور) وحکومت اسراییل را که عضو سازمان ملل متحد است و همه شرایط تیوریک

برای شنا سایی را تکمیل می کند، به رسمیت نمی شناسند. امریکا تا حال حکومت ایران و کوریای شمالی را به صورت کامل به رسمیت نمی شناسد و به همین منوال موارد دیگر.

در شناسایی دولت ها و حکومت ها در حالات مشابه همچنان، رویه یکسان دیده نمی شود. به تجربه تغییر غیر قانونی حکومت ها در افغانستان طی نزدیک به ۵۰ سال اخیر و مساله شنا سایی بین المللی نگاه کنید.

حکومت جمهوری اول (۱۳۵۲) را که از طریق کودتاه به وجود آمد، همه کشور های عضو سازمان ملل متحد بی هیچ قید و شرط به رسمیت شناخت.

حکومت برخاسته از انقلاب ثور ۱۳۵۷ در جریان دوهفته از جانب همه کشور های جهان به شمول امریکا و متحدان آن به رسمیت شناخته شد.

حکومت پسا ۶ جدی ۱۳۵۸ را بخشی از کشورهای جهان شامل کشورهای سوسیالیستی و عدم انسلاک دارای سمت گیری سوسیالیستی به رسمیت شناختند. امریکا، کشور های غربی، چین و جاپان و نیز کنفرانس اسلامی از شناسایی حکومت نو تا زمان سقوط آن خود داری کردند و به مخالفان مسلح حکومت وقت کمک مالی و تسلیحاتی نمودند.

حاکمیت گروه های مجاهدین در سال ۱۹۹۲ بی آنکه صلح و امنیت را به افغانستان برگرداند؛ یک حکومت موثر و دارای اقتدار بر تمام قلمرو افغانستان را ایجاد و به تعهدات بین المللی افغانستان و حقوق بشر پای بند باشد، از جانب جامعه بین المللی (همه اعضای سازمان ملل متحد به شمول روسیه) به رسمیت شناخته شد. قابل یاد آوری است که حکومت دوره بی مجاهدین در خاک پاکستان تشکیل و به افغانستان انتقال یافت که با اصول سه گانه ی که در بالا ذکر آن رفت، هیچگونه همخوانی نداشت.

حکومت طالبان زیر نام " امارت اسلامی افغانستان " در سال ۱۹۹۶ که بر ۹۰ درصد خاک افغانستان کنترل موثر داشت، تنها از جانب کشور های پاکستان، عربستان سعودی، قطر و ترکمنستان به رسمیت شناخته شد. سازمان ملل متحد از سپردن چوکی نمایندگی افغانستان در این سازما به حکومت طالبان ظاهرا به دلیل حمله افراد طالبان به مقر سازمان ملل متحد و اعدام داکتر نجیب - رئیس جمهور وقت که به مقر نمایندگی سازمان ملل متحد پناه برده بود، خود داری ورزید.

حکومت آقای کرزی (حکومت موقت) که پس از حمله نیروهای امریکا و متحدان بر افغانستان در سال ۲۰۰۱ و در بیرون از افغانستان (در کنفرانس بن) تشکیل یافت با وصف نداشتن کنترل موثر بر همه قلمرو افغانستان و حضور نیروهای خارجی، از جانب همه دولت ها (اعضای سازمان ملل متحد) به رسمیت شناخته شد.

حال، پس از ۲۰ سال نبرد خونین با نیروهای خارجی و حکومت های آقایان کرزی و غنی، طالبان باردیگر از طریق غیر قانونی (از راه جنگ) به قدرت رسیدند و حکومت تشکیل کردند که عملا بر تمام قلمرو افغانستان کنترل دارد.

این واقعیت، جامعه بین المللی را در برابر انتخاب دشوار (به رسمیت بشناسد و یا نشناسد) قرارداده است.

امریکا و متحدان، اکثر کشورهای منطقه، همسایه های دور و نزدیک افغانستان با وصف ناراضی آشکار از آنچه که در افغانستان رخ داد، واقعیت حاکمیت طالبان در افغانستان را می پذیرند اما هیچ حکومت در این کشور ها عجله ندارد و جسارت نمی کنند که در شناسایی کامل یا رسمی حکومت طالبان پیش قدم شوند.

این به اصطلاح خویشتن داری به نقض حقوق بشر و حقوق زنان و اینکه حکومت طالبان همه شمول نیست، ربط زیاد ندارد. کم نیست دولت های مشابه به رژیم طالبان که امریکا و غرب با آنها روابط محکم و استراتژیک دارند.

مشکل اساسی از دید من این است که:

نخست- اکثر کشورهای جهان به خصوص حکومت های امریکا و کشورهای غربی طی بیش از ۲۰ سال به مردم خود گفته اند که طالبان یک گروه تروریستی و خطر مستقیم به امنیت ملی شان بوده و از این رو، هزینه های مالی و انسانی جنگ با این گروه بی هوده نیست.

اکنون که همان طالبان تروریست (به قول کشورهای غربی) در افغانستان به قدرت رسیده اند، برای دولت های شامل در ائتلاف ضد تروریستی دشوار است که حکومت آنان (طالبان) را بلا درنگ به رسمیت بشناسند. این کشور ها به زمان نیاز دارند تا به مردم شان قناعت بدهند که طالبان تروریست نیستند.

این دولت ها همچنان انتظار دارند که حکومت طالبان سیاست متفاوت از سالهای حاکمیت پیشین شان را در افغانستان روی دست گیرد که به نوبه خود سبب کاهش نگرانی و اعتراض مردم به حکومت های خواهد شد که می خواهند حکومت طالبان را به رسمیت بشناسند.

حس تحقیر نیز بر روابط امریکا و دولت های غربی با حکومت طالبان اثر می گذارد. این دولت ها که در جنگ افغانستان شکست شرم آور را متحمل شدند، می خواهند که با حفظ تحریم ها و نشناختن حکومت طالبان درد ناشی از این شکست را تا جای که منافع کلان شان در منطقه اجازه می دهد، تسکین نمایند. سوم- نام های اکثر اعضای رهبری و حکومت طالبان در فهرست سیاه و تعزیرات ملل متحد قرار دارند. شناسایی حکومت طالبان بدون رفع تحریم ها بر تحریک طالبان و حذف نام های اعضای رهبری و حکومت طالبان از این فهرست دشوار است.

رفع تحریم ها و حذف نام افراد از فهرست تحریم های سازمان ملل متحد به نوبه خود یک روند پیچیده، زمانگیر و مستلزم رای مثبت اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد و به ویژه رای مثبت همه ۵ عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

چهارم- طالبان و حکومت آنان غیر قابل پیشبینی است. این غیر قابل پیشبینی بودن در گام نخست از نبود قانون اساسی و یا کدام اصولنامه تدوین شده دیگر سیاسی- حقوقی که اهداف، استراتژی و رفتار حکومت طالبان را تعریف و مشخص سازد ناشی می شود.

روابط میان کشورهای جهان با توجه به قانون ملی در چهارچوب موازین مشخص حقوق بین المللی تنظیم می گردد نه بر بنیاد شریعت و تعبیر های متفاوت مذاهب چهار گانه پیرامون این ویا آن مساله مهم جامعه اسلامی.

بنا بر موارد فوق می توان گفت که احتمال شناسایی کامل بین المللی حکومت طالبان در آینده نزدیک بسیار کم است.

با وصف این، جامعه بین المللی چنانچه گفته شد خواهان سرنگونی حکومت طالبان، هرج- مرج و آغاز دور دیگر جنگ بین المللی و یا داخلی در افغانستان نیست.

جامعه بین المللی می داند و می پذیرد که در حال حاضر، طالبان یگانه نیروی متشکل و سراسری است که می تواند صلح و امنیت را در افغانستان برقرار کند، افغانستان را متحد سازند (منظور پایان بخشیدن به نظام جنگسالاری است) فساد را ریشه کن و کار و بار مواد مخدر را ختم کنند؛ علیه داعش به گونه مؤثر مبارزه کنند و اجازه ندهند که خاک افغانستان علیه کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گیرد.

تحقق این اهداف برای جامعه بین المللی بسیار مهم است. از این رو، در کنار تاکید بر رعایت حقوق بشر و خود داری از شناسایی کامل (de jure) حکومت طالبان به مثابه ابزار فشار، ممکن است که شمار کشور های غربی به شمول امریکا، شمار کشور های منطقه و همسایه های دور و نزدیک افغانستان به تدریج و خا موشانه روابط محدود (de facto) و یا روابط در موارد معین (ad hoc) را با حکومت طالبان بر قرار کنند. فراموش نکنیم که اجرای پروژه های بزرگ اتصال منطقوی نیز نیازمند داشتن یک نوع روابط و همکاری کشور های همسایه و منطقه با طالبان است. بدون تعامل با حکومت طالبان هیچ یک از این پروژه ها تحقق یافته نمی توانند.

در حال حاضر، کشور های چین، روسیه، پاکستان، ترکیه، قطر، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و برخی موسسات سازمان ملل متحد در سطح نمایندگان خاص و سفیران با حکومت طالبان روابط برقرار نموده اند. شمار از این کشور ها سرگرم وساطت میان جامعه بین المللی و حکومت طالبان اند و می کوشند که یک نقشه راه برای شناسایی بین المللی حکومت طالبان را پیشکش کنند.

درخواست حکومت طالبان برای تصاحب کرسی نمایندگی افغانستان در سازمان ملل متحد زیر بررسی کمیته اعتبارنامه های سازمان ملل متحد قرار دارد. تصمیم مثبت و یا منفی این کمیته که در ماه های اکتوبر و نوامبر سال جاری روشن خواهد شد، برای شناسایی بین المللی حکومت طالبان بسیار مهم است. در کمیته اعتبار نامه های سازمان ملل در سال جاری دولت های چین، روسیه، امریکا، سویدن، جمهوری افریقای جنوبی، چیلی، سریلیون، بوتان و شاهی پاگان (باگان) عضویت دارند.

ممکن است که در این کمیته به اثر اختلاف میان امریکا، چین و روسیه توافق نظر درباره نمایندگی طالبان در ملل متحد به دست نیاید و موضوع به اجلاس بعدی مجمع عمومی سازمان ملل متحد محول گردد و تا آن زمان هر کشور به صورت انفرادی روابط خویشرا با حکومت طالبان تعریف و مشخص نمایند که به احتمال زیاد و چنانچه در بستر این متن گفته شد، در سطح محدود (de facto) و یا در حد موارد مشخص (ad hoc) خواهد بود.